

بررسی سرقت ادبی در حقوق جزای افغانستان و اسناد بین‌المللی (مطالعه موردی نقض حق مؤلف)

نگارندگان: نامزد پوهنپار عبدالرقيب ضرغام^۱ و سيد فهم سادات^۲

چکیده

سرقت ادبی به‌عنوان یکی از چالش‌های نوظهور در عرصه حقوق مالکیت‌های فکری، به‌ویژه در حوزه حق مؤلف، از اهمیت فزاینده‌ای در حقوق جزای افغانستان و اسناد بین‌المللی برخوردار است. با گسترش ابزارهای دیجیتالی و سهولت در تکثیر و نشر آثار ادبی، هنری و علمی، بررسی ابعاد جزایی این پدیده ضرورتی است انکارناپذیر. تحقیق‌ها با بررسی و تبیین سرقت ادبی در حقوق جزای افغانستان و اسناد بین‌الملل و با تأکید بر حق مؤلف در پی پاسخ به این سوال است که نقض حق مؤلف در حقوق جزای افغانستان و اسناد بین‌الملل چگونه بیان شده و برای مرتکبین آن چه مجازات‌های پیش‌بینی شده است؟ این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با روش کتابخانه‌ای به تحلیل منابع داخلی و بین‌المللی پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرچند افغانستان در برخی قوانین، مانند قانون کاپی‌رایت، به حمایت از آثار مؤلفان پرداخته است، اما نبود ضمانت اجرای مشخص جزایی در سطح بین‌الملل، از جمله چالش‌های عمده در مقابله با سرقت ادبی به‌شمار می‌رود. در نتیجه، اصلاح و تقویت چارچوب‌های قانونی و وجود ضمانت اجرای در اسناد بین‌المللی مرتبط با این آثار، ضرورت حیاتی برای حفاظت از حقوق مؤلفان و ارتقای جایگاه حقوق مالکیت‌های فکری به‌شمار می‌رود.

واژه‌گان کلیدی: اسناد بین‌الملل، حقوق جزای افغانستان، حق مؤلف، سرقت ادبی و مالکیت‌های معنوی.

^۱ استاد دیپارتمنت حقوق جزا و علوم جنایی، پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون هرات.

Email: zargham-seraji@hu.edu.af

^۲ فارغ التحصیل رشته حقوق، پوهنهی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون هرات.

Hariwa University (Research and Scientific Journal)

First Year, Volume I, First Number, Winter 2026

Hariwa
(Journal of Law and Political Science)

Publisher: Hariwa University

Website: <https://journals.edu.gov.af>

An Examination of Plagiarism in Afghan Criminal Law and International Legal Instruments (A Case Study of Copyright Infringement)

Authors: Teaching assistant Abdul Raqib Zargham^r and Sayed Faheem Sadat^f

Abstract

Plagiarism, as an emerging challenge in the field of intellectual property law—particularly in the domain of copyright—has gained increasing significance within Afghanistan's criminal justice system and in international legal instruments. With the expansion of digital technologies and the ease of reproducing and disseminating literary, artistic, and scientific works, examining the criminal dimensions of this phenomenon has become an undeniable necessity. This study analyzes and clarifies the notion of plagiarism under Afghanistan's criminal law and international legal instruments, with a particular focus on copyright. It seeks to answer the central question: How is copyright infringement addressed in Afghanistan's criminal law and in international instruments, and what penalties are prescribed for offenders? The research follows a descriptive-analytical method and relies on library-based sources, examining both domestic legislation and international frameworks. The findings indicate that although Afghanistan has provided certain protections for authors—most notably through the Copyright Law—there remains a significant gap at the international level due to the absence of clearly defined criminal sanctions. This gap constitutes a major challenge in effectively combating plagiarism. The study concludes that strengthening and reforming legal frameworks, as well as incorporating explicit criminal sanctions into relevant international instruments, is essential for safeguarding authors' rights and enhancing the status of intellectual property protections.

Keywords: Afghanistan Criminal Law, Copyright, International Instruments, Plagiarism, Intellectual Property.

OPEN ACCESS

Received: ۲۰۲۵/۱۰/۰۲

Published: ۲۰۲۷/۳/۰۱

Number of Pages: ۲۱

Hariwa University (Research and Scientific Journal)



^r. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Herat.
Email: zargham-seraji@hu.edu.af

^f Graduated From Law and Political Science Faculty of Herat University.

۱. مقدمه

علم و دانش از اهم موضوعات و مسایل در زندگی انسان‌ها می‌باشد. مبنی به این، بشریت در کنار سایر تلاش‌ها و امورات زندگی خویش، همواره در پی تولید علم و خلق آثار علمی بوده تا با کمک آن بتوانند بر مشکلات جامعه شان فایق آیند. در همین حال مصئونیت حقوق تمامی اشخاص و مراعات آنها، حق مسلم و طبیعی هر انسان می‌باشد. اما دیربست این حقوق منجمله حق مؤلف مورد نقض و استفاده غیرمجاز برخی افراد قرار می‌گیرد، مبتنی بر این معضل، اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان به منظور پشتیبانی از این حقوق، برای ناقضین آن‌ها مجازات‌های را در قوانین ملی پیش‌بینی کرده و در اسناد بین‌الملل نیز بر حمایت هرچه بیشتر آن تأکید شده است.

با رشد فزاینده تولید آثار علمی، فرهنگی و ادبی در جهان معاصر، نیاز به حمایت مؤثر از حقوق پدیدآورندگان این آثار به یکی از چالش‌های مهم حقوقی - جزایی تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین مصادیق نقض این حقوق «سرقت ادبی» است. استفاده غیرمجاز و عمدی از آثار فکری دیگران بدون ذکر منبع اصلی مصداق بارزی سرقت ادبی می‌باشد. علی‌رغم جرم‌انگاری این معضل توسط بسیاری از نظام‌های جزایی جهان از جمله افغانستان، در اسناد بین‌الملل برخوردی که ضمانت اجرای جزایی داشته باشد، مشاهده نمی‌شود.

با توجه به گسترش پدیده سرقت ادبی در محیط‌های علمی افغانستان و ضعف ساختارهای نظارتی، ضرورت بررسی این مسئله از منظر حقوق جزا مضاعف می‌شود. تحقیق حاضر با بررسی سرقت ادبی در حقوق جزای افغانستان و اسناد بین‌الملل و با تأکید بر حق مؤلف در پی پاسخ به این پرسش است که نقض حق مؤلف در حقوق جزای افغانستان و اسناد بین‌الملل چگونه بیان شده و برای مرتکبین آن چه مجازات‌های پیش‌بینی شده است؟ بر این اساس فرضیه تحقیق حاضر چنین مطرح می‌شود: به نظر می‌رسد نقض حق مؤلف در حقوق جزای افغانستان جرم‌انگاری شده و اما در اسناد بین‌الملل به این موضوع به گونه همه‌جانبه پرداخته نشده، زیرا صرفاً جنبه حمایتی داشته و اقدامی مبنی بر تعیین مسئولیت جزایی صورت نگرفته است. اهمیت تحقیق نیز از آن‌روست که هم به شناسایی نارسایی‌های تقنینی می‌پردازد و هم زمینه هم‌سویی نظام داخلی با تعهدات بین‌المللی را فراهم می‌سازد. قابل ذکر

است که تحقیق حاضر با نوع توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده و داده‌های آن از طریق منابع کتابخانه‌ای، قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی گردآوری شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرچند افغانستان در برخی قوانین، مانند قانون کاپی‌رایت، به حمایت از آثار مؤلفان پرداخته است، اما نبود ضمانت اجراهای مشخص جزایی در اسناد بین‌الملل و ضعف در تطبیق قوانین ملی، در سطح بین‌الملل و افغانستان از جمله چالش‌های عمده در مقابله با سرقت ادبی به‌شمار می‌رود. در نتیجه، اصلاح و تقویت چارچوب‌های اسناد بین‌الملل موجود، ضرورت حیاتی برای حفاظت از حقوق مؤلفان و ارتقای جایگاه حقوق مالکیت‌های فکری می‌باشد. نبود وقت کافی، پراکنده بودن منابع تحقیق از جمله محدودیت‌های می‌باشد که محقق در جریان این مهم به آن برخورد کرده است.

۲. چهارچوب مفهومی

در مقاله‌ها که تحت عنوان "بررسی سرقت ادبی در حقوق جزای افغانستان و اسناد بین‌الملل" مطالعه موردی حق مؤلف) می‌باشد، در ابتداء به تبیین مفهوم سرقت ادبی، انواع سرقت ادبی، حق تألیف، مؤلف، اهمیت حق مؤلف و انواع آن پرداخته و به تبع آن به مباحث جرایم علیه حق مؤلف در حقوق جزای افغانستان و مجازات‌های پیش‌بینی شده و نیز به آن‌چه که در اسناد بین‌الملل پیرامون حق مؤلف تدوین و تصریح یافته است، پرداخته خواهد شد.

۳. مفهوم سرقت ادبی

واژه سرقت به معنی دزدیدن، ربودن مال دیگری به صورت پنهانی اشاره دارد (دهخدا، ج ۱۵: ص ۱۱۱؛ معین، جلد ۳: ص ۱۳۱۰). اما اصطلاح Plagiarism برگرفته شده از واژه لاتین plundering به معنای غارت و ربودن است. در حقیقت جوهره سرقت ادبی را ربایش یا سرقت ایده تشکیل می‌دهد که هم‌چون فرزندی برای دارنده آن تلقی می‌شود. اسناد تاریخی نشان می‌دهد که در جریان سال‌های ۱۶۰۰ م. اصطلاح سرقت علمی مورد استفاده قرار گرفته است (یزدی، ۱۳۹۲: ص ۷).

اقتباس ایده‌ها، فرآورده‌ها، نتایج، یا واژگان محققان دیگر بدون اشاره صحیح به نام آن‌ها مفهومی از سرقت ادبی می‌باشد. یا به عبارت دیگر، سرقت ادبی عبارت از: اقتباس افکار و اندیشه‌های یک فرد دیگر و ارائه آن‌ها به نام خود است. به‌طور کلی می‌توان گفت سرقت ادبی عبارت است از: برگرفتن و

استفاده از ایده، فکر، لغات و ابتکارات متعلق به دیگری به نام خود یا استفاده از تولیدات فکری دیگری بدون تعیین منبع یا ارائه یک ایده یا محصول جدید و اصیل در شرایطی که آن ایده از قبل در منبعی دیگری با زیور نوشتن آراسته شده است (فیشمن، ۲۰۰۹: ص ۲). علاوه‌تاً در کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت‌های فکری سرقت ادبی این‌گونه تعریف شده است: «استفاده آثار فکری دیگران بدون اجازه یا بدون ذکر منبع مناسب عبارت از سرقت ادبی است».

شایان ذکر است دلایلی که افراد را به سرقت علمی وا می‌دارد، مختلف‌اند. برای مثال اشتیاق‌شان به شناخته شدن و یا پیشرفت حرفه‌ای، آن‌ها را برای انتشار مقاله تحت فشار می‌گذارد. اضطراب ناشی از نگارش مقاله به زبان انگلیسی یا ناتوانی در بیان ایده‌های پیچیده با استفاده از جمله‌بندی‌های خود فرد از دیگر دلایل این رفتار است (یزدی، ۱۳۹۲: ص ۸). اغلب افراد سرقت ادبی را عامدانه می‌دانند، با وجود این ممکن است غیرعامدانه ارتکاب سرقت علمی صورت گیرد، زیرا بی‌دقتی هنگام نوشتن مقاله، اتکای شدید بر منابع علمی محدود، فقدان آگاهی از معنای دزدی علمی و... ممکن است فرد را به‌طور ناخودآگاه به سمت سرقت ادبی سوق دهد. هر قطعه از مقاله (جمله، پاراگراف، فرمول، جدول، شکل و حتی یک اصطلاح) دارای یک شکل ظاهری و یک محتوا و معناست (یزدی، ۱۳۹۲: ص ۸).

۴. انواع سرقت ادبی

سرقت ادبی که در مبحث پیشین بیان گردید، دارای انواع مختلفی می‌باشد و به روش‌های متفاوت نیز صورت می‌گیرد. در این مبحث انواع سرقت ادبی واضح گردیده و هم‌چنان چگونگی انجام این جرم به روش‌های مختلف توضیح داده خواهد شد.

۴-۱. سرقت ادبی لفظ به لفظ

کپی کردن کلمات استفاده شده در اثر یک محقق دیگر، به‌صورت کلمه به کلمه دزدی ادبی لفظ به لفظ است. اگر محتوای کپی شده از منابع علمی متعدد به‌صورت کلمه به کلمه کپی شده باشد. به این نوع دزدی علمی سرهم‌بندی می‌گویند (شاگری، ۱۳۹۸: ص ۶۶).

۲-۴. سرقت ادبی ایده‌ها

اشاره به ایده‌های منحصر به شخصی دیگری، که ممکن است نظریه، تفسیر، داده، روش، عقیده، یا اصطلاحات جدید و نوینی باشد، بدون ارجاع‌دهی و رفرنس دادن به منبع استفاده شده، سرقت ادبی به‌شمار می‌رود، حتی اگر آن‌ها را با کلمات خویش بیان کرده باشیم (شاگری، ۱۳۹۸: ص ۶۶).

۳-۴. سرقت ادبی از خود

بازنشر یا نشر مجدد متن‌هایی که در مقاله‌های قبلی خود منتشر کرده‌اید یا انتشار یک مقاله مشابه در دو ژورنال متفاوت، سرقت ادبی از خود محسوب می‌شود. این نوع سرقت ادبی، که معمولاً نادیده گرفته می‌شود، اقدامی غیراخلاقی است، مخصوصاً با اینکه بیشتر ژورنال‌ها از محقق یک تأییدیه دریافت می‌کنند مبنی بر این که مقاله تاکنون در جای دیگری منتشر نشده باشد. همچنین، برخی اوقات این اقدام نقض کپی‌رایت محسوب می‌گردد (فخر احمد و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۱۲۵).

۴-۴. انتشار ترجمه اثر دیگری به عنوان اثر اصیل خود

در این روش، محقق یک اثر خارجی مناسبی را انتخاب می‌کند و بدون اجازه مؤلف آن، اقدام به ترجمه آن نموده و سپس آن ترجمه را به‌عنوان اثر خود منتشر می‌سازد. به‌طور کلی اخذ رضایت برای ترجمه اثر دیگری لازم است. از این‌رو در این مورد از سرقت علمی، در بدو امر محقق مرتکب نقض حق ترجمه می‌شود؛ اما وی به این امر بسنده نکرده و در ادامه این ترجمه را به‌عنوان اثر اصیل خود در قالب مقاله یا پایان‌نامه منتشر می‌کند (فخر احمد و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۱۲۵).

۵-۴. استفاده از تصاویر، جداول، نمونه‌ها یا داده‌های اثر دیگری

در این شیوه، از ایده یا عبارات اثر دیگری استفاده نمی‌شود. بلکه محقق در اثر خود از تصاویر یا عکس‌ها یا نمودارها یا داده‌های آماری اثر دیگری استفاده می‌کند، بدون این که به منبع اصلی ارجاع دهد. شایان ذکر است هر یک از تصاویر یا جداول مذکور، خود به‌تنهایی یک اثر ادبی و هنری است که تعدی به آن می‌تواند چالش حقوقی را مطرح کند. افزون بر این که، استعمال این آثار در اثر دیگری برای اثبات موضوعی متفاوت از منظور پدیدآورنده اثر اول می‌تواند به اعتبار فرد اخیر لطمه

وارد سازد. در این خصوص می‌توان به پرونده‌ای اشاره کرد که خاطی به سبب استفاده از یافته‌های علمی دیگری با کسر امتیاز در ترفیع سالانه مواجه شده است (جوادی، ۱۳۹۰: ص ۲۳).

۵. تبیین مفهوم حق مؤلف و اهمیت آن

این بحث در ابتداء به تبیین حق مؤلف اختصاص یافته و تعاریفی نیز از این حق صورت گرفته است و در ثانی درباره اهمیت حق مؤلف و جای‌گاه آن توضیحات مفصل ارائه خواهد شد.

۱-۵. تعریف حق تألیف

حق تألیف عبارت است از اختصاص شرعی که برای دانشمند یا نویسنده نسبت به اثرش ثابت می‌شود، چنانچه وی می‌تواند آن را به خود نسبت داده و در مطابقت با قانون آن را تصرف نماید. همچنان در صورت تعدی می‌تواند از آن دفاع نموده و از منافع مادی آن که از بهره‌برداری مباح بدست آمده باشد، استفاده کند. در قانون حمایت از مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق کشور آمده است:

«پدیدآورنده دارای حق انحصاری نشر، پخش، عرضه و اجرای اثر و حقوق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام اثر خود می‌باشد» (نذیر، ۱۳۹۷: ص ۸۵).

اضافه بر آن، در قانون کپی‌رایت افغانستان و کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، مشخصاً حق تألیف تعریف نشده ولی از فحوای مواد موجود می‌شود چنین بیان داشت: حق مالکیت اثر فکری که شامل حقوق مادی (حق نشر و پخش و...) و حقوق معنوی (نسبت دادن اثر به خود) می‌باشد عبارت از حق تألیف است.

۲-۵. مؤلف

در کنوانسیون برن چنین مشعر گردیده است: کسی که اثر ادبی و هنری خلق می‌کند عبارت از مؤلف است. هم‌چنان مؤلف به شخص حقیقی گفته می‌شود که با سعی و تلاش وافر فکری، اثری را خلق نموده و از این ره‌گذر قانون حقوقی را برای وی اعطا می‌نماید (کورنیش و لیویلین، ۲۰۲۳: ص ۱۴۰).

۳-۵. اهمیت حق مؤلف

حق مؤلف یا حق تکثیر برای نویسندگان، هنرمندان و خالقان اطلاعات بسیار اهمیت دارد. این حق به معنای حق انحصاری نویسنده بر روی اثر خویش است، به‌طوری‌که هیچ کس بدون اجازه او نمی‌تواند

از آن استفاده نموده یا آن را کپی کند. اهمیت این حق برای نویسندگان از جوانب مختلف قابل توجه است (اسماعلی، ۱۳۸۴: ص ۱۶۶). اهمیت این حق عبارت اند از:

- ۱) حفظ حقوق مؤلف (نویسنده) او را تشویق می کند که آثار جدیدی خلق کند، زیرا او می داند که در صورت تولید آثار خود، به طور معقولانه پاداش خواهد گرفت؛
- ۲) نویسندگان، اثراتی که ایجاد می کنند، منبع درآمد اصلی آن ها است. حفظ حق مؤلف، به آنها اجازه می دهد تا از فروش اثرات خود بهره مند شوند؛
- ۳) هر نویسنده و خالق، حق دارد که اثر خود را به عنوان نتیجه ای از ذهن و خلاقیت خود بپذیرد. حق مؤلف این امکان را فراهم می سازد که او به طور انحصاری از ثمره فکری خود بهره مند شود و از سواستفاده نامناسب از آن جلوگیری شود؛
- ۴) نویسندگان و خالقان، برای تولید آثار جدید و نوآورانه تشویق می شوند. آنها مطمئن هستند که حقوق شان در اثرات خود حفظ می شود و نتیجه زحمات خود را می توانند ارائه دهند. در کل، حقوق مؤلف به نویسندگان اعتبار، انگیزه و امنیت فرهنگی فراهم می کند، که به ایجاد و حفظ یک محیط خلاق و پررونق در جامعه کمک می کند (اسماعلی، ۱۳۸۴: ص ۱۶۶).

۶. انواع حق مؤلف

مؤلف حاوی یک سلسله حقوقی می باشد که هیچ فردی بدون اجازه آن، نمی تواند به بهره برداری از آن حقوق بپردازد. حق انتشار یکی از آن می باشد که بر خالق اثر، صلاحیت این را می دهد تا حسب لزوم دید بر انتشار یا عدم انتشار آن اقدام نماید. حق تکثیر، حق ترجمه، حق اجرا و حق نشر عمومی نیز از جمله حقوقی اند متعلق به پدیدآورنده آن، طوری که مؤلف می تواند مبتنی بر آنها، به تکثیر اثر خویش پرداخته یا آن را به زبان دیگر ترجمه نماید، یا آن را اجرا نموده و به اختیار و دسترس عموم قرار دهد (صادقی و پورمحمدی، ۱۳۸۶: ص ۸۲).

۷. جرایم علیه حق مؤلف و مجازات های آن در حقوق جزای افغانستان

جرایم علیه حق مؤلف در افغانستان به گونه های مختلف صورت می گیرد. در این بخش ابتداء به تشریح این جرایم و در ثانی عناصر تشکیل دهنده این جرایم و در آخر هم مجازات های که برای مرتکبین این جرایم پیش بینی شده است را توضیح خواهیم داد.

۱-۲. نشر یا پخش یا عرضه کتب و نشریات

در فقره ۳ ماده ۳۱ قانون حمایت از حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق چنین ذکر گردیده است: «شخصی که در موعد مندرج فقره ۲ ماده ۲۳ این قانون بدون موافقه کتبی تصدیق شده نمایش دهنده اثر، به پخش مجدد اثر و یا پخش از آن به هر وسیله یا روش اقدام نماید، حسب احوال به حبس الی یک سال و یا حریمه نقدی که از پنجاه هزار افغانی کم‌تر و از یک صد هزار افغانی بیشتر نباشد به یکی یا هر دوی آن محکوم می‌گردد».

این ماده رکن قانونی جرم نشر و پخش یا عرضه آثار متعلق به پدیدآورنده را در حقوق جزای افغانستان تشکیل می‌دهد. قانون‌گذار در صدر این ماده از واژه (شخص) استفاده نموده است، با استناد به آن مفهوم، می‌توان پی‌برد که کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی به‌طور فردی یا جمعی می‌توانند به‌عنوان مرتکب این جرم مطرح شده و در صورت ارتکاب، مورد پیگرد قانون قرار بگیرند. عمل فرد مرتکب در اینجا طبع و نشر اثر دیگری است؛ چنانچه که در فقره ۲ ماده ۳۴ قانون حمایت از کپی‌رایت به جرایم نشر مجدد اثر پرداخته و چنین مقرر می‌دارد: «شخصی که بدون موافقه کتبی، آثار دیگران را الی تاریخ انفاذ این قانون مورد استفاده و بهره‌برداری قرار داده باشد، حق نشر، پخش، اجراء، نمایش و ارایه مجدد آن را ندارد، مگر به موافقه کتبی پدیدآورنده اثر یا نماینده قانونی وی». از فحوی این ماده به‌خوبی درک می‌شود که عمل مرتکب تنها با فعل قابل تحقق است و ترک فعل نمی‌تواند منتهی به این جرم گردد. علاوه‌تاً مرتکب در این ماده می‌تواند هر شخص حقیقی یا حقوقی و هر مرد و زنی باشد؛ طوری که جنسیت و سن در مورد این جرم ملاک نبوده، فقط کافی است هر شخص اعم از شخص حقیقی یا حقوقی به نشر و پخش آثار دیگران بدون مجوز مبادرت ورزد. اضافه بر آن این جرم نیاز به سوءنیت عام داشته و مرتکب باید با علم به این که اثر متعلق به دیگری است، اقدام به نشر و پخش آن نماید، اما وقوع جرم موکول به وقوع نتیجه زیانبار به پدیدآورنده نشده و لذا این جرم از جمله جرایم مطلق نیز محسوب می‌گردد (حامدی، ۱۴۰۱: ص ۱۴). هم‌چنان مجازات متخلف فقره ۲ ماده ۳۴ نیز در فقره ۳ ماده فوق چنین ذکر گردیده است: «حسب احوال حبس الی یک سال یا

جریمه نقدی که از پنجاه هزار افغانی کم تر و از یکصد هزار افغانی بیشتر نباشد، به یکی یا هر دوی آن محکوم می گردد.

عنصر قانونی: فقره ۴ ماده ۳۱ قانون حمایت از حقوق مؤلف، مصنف، محقق و هنرمند چنین تصریح می کند:

«شخصی که در بدون موافقه کتبی مالک اثر، ترجمه او را بنام خود یا شخص دیگر چاپ، پخش و نشر نماید حسب احوال به حبس الی یک سال یا جریمه نقدی که از پنجاه هزار کمتر و از یکصد هزار بیشتر نباشد، به یکی و یا هر دوی آن محکوم می گردد». و هم چنان سایر مواد و فقره های موجود در قانون حمایت از حقوق مؤلف، مصنف، محقق و هنرمند مبین عنصر قانونی این عمل جرمی می باشد.

عنصر مادی: هر جرمی لزوما دارای عنصر مادی نیز می باشد. مبتنی بر این رکن، می توان چنین بیان نمود که تحقق جرم موکول به بروز عوارض بیرونی اراده ارتکاب جرم است. در این جا عنصر مادی عبارتست از:

✧ **عمل مرتکب:** عمل مرتکب در این جا نشر و پخش و عرضه است. نشر عبارت است از هر عملی که منجر به ساختن یا تهیه نمونه های دیگری از اثر اصلی شده و پخش توزیع آن آثار می باشد. عرضه به مفهوم در دسترس قرار دادن یا نمایش دادن یک اثر شنیداری یا دیداری برای عموم است. عمل مرتکب در اینجا فقط با فعل قابل تحقق می باشد.

✧ **شخصیت مرتکب:** با توجه به واژه «هرکس» که در ماده فوق تصریح یافته است، مرتکب می تواند شخصی حقیقی یا حقوقی باشد.

✧ **موضوع جرم:** اثر فرد دیگری است و مقصود از اثر در این جا همان گونه های مورد حمایت قانون می باشد. این جرم مطلق بوده و مقید به نتیجه نیست؛ یعنی لازم نیست که حتماً پدیدآورنده اثر متضرر شود (مومنی، ۱۳۹۱: ص ۴۴).

عنصر معنوی: عبارت از نیت و تصور ذهنی انسان برای انجام عمل خلاف قانون و یا فعالیت ذهن در راستای عمل خلاف قانون است. در این جرم، علم به حکم قانون مفروض است و با توجه به واژه عالمأ و عامداً، جرم از نوع عمدی بوده و مرتکب باید علم به موضوع داشته باشد. لذا مراد از «علم» دانایی و فهم شخص بر این است که اثر متعلق به دیگری می باشد، روی این ملحوظ هرگونه استفاده غیرمجاز

مانند نشر و پخش عمدی و عرضه آن غیرقانونی بوده و جرم پنداشته می‌شود. جرم نشر یا پخش یا عرضه اثر دیگری شامل نشریات و آثار صوتی، چاپ، پخش، نشر و ترجمه دیگری و نشر و پخش آثار سمعی و بصری نیز می‌شود (مومنی، ۱۳۹۱: ص ۴۴).

۲-۲. چاپ، پخش و نشر ترجمه دیگری

چاپ، پخش و نشر ترجمه دیگری نیز یکی از جمله جرایمی است که در حوزه حقوق مالکیت‌های فکری قابل بررسی می‌باشد. اهمیتی که قانون‌گذار افغانستان برای ترجمه قائل است، عمدتاً می‌تواند ناشی از رنج و مرارتی باشد که مترجم زبان خارجی به زبان ملی کشور متحمل می‌شود. با توجه به این که امروزه علم و دانش جنبه بین‌المللی داشته و افراد بسیاری در جهان با بهره‌گیری از دستاوردهای سایر کشورها سعی در پیشرفت کشور خود دارند و یکی از مؤثرترین راه کارهای این پیشرفت استفاده از کتب نوشته شده توسط دانشمندان سایر کشورهاست. فن ترجمه نیز مورد توجه بسیار است، افراد زیادی در سرتاسر جهان به علم و فن ترجمه اشتغال داشته و از این طریق مشمول آن دسته افرادی قرار می‌گیرند که باید مورد حمایت قانون قرار داشته باشند، تا بتوانند از منافع مادی و معنوی اثر و کار خویش بهره‌مند گردند. نه تنها امروزه ترجمه‌ها اهمیت ویژه دارد بلکه در طول تاریخ اسلام مخصوصاً از سده‌ی دوم هجری نهضت ترجمه‌ها طلیعه‌ی تمدن اسلامی بوده است. بدیهی است که حمایت از این حقوق و جلوگیری از تجاوز سودجویان به ترجمه دیگری مورد توجه مقنن کشور ما نیز قرار گرفته و قانون‌گذار در قانون حمایت از حقوق مؤلف به‌طور مستقل به این جرم اشاره کرده است و برای آن ضمانت اجرای جزایی لحاظ نموده است (حامدی، ۱۴۰۱: ص ۱۶). هم‌چنان در فقره ۴ ماده ۳۱ قانون حمایت از حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق چنین مشعر گردیده است: «شخصی که در بدون موافقه کتبی مالک اثر، ترجمه او را بنام خود یا شخص دیگر چاپ، پخش و نشر نماید حسب احوال به حبس الی یک‌سال یا جریمه نقدی که از پنجاه‌هزار کم‌تر و از یک‌صد هزار بیشتر نباشد، به یکی و یا هر دوی آن محکوم می‌گردد».

این مواد، رکن قانونی جرم نشر و پخش ترجمه دیگری در حقوق جزای افغانستان را تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن، فرد زمانی که عملاً دست به نشر و پخش ترجمه دیگری بزند، بی‌گمان رکن

مادی آن تحقق می‌یابد. ضمن آن که این جرم با فعل قابل تحقق است و ترک فعل نمی‌تواند موجب تحقق آن گردد، موضوع جرم ارتكابی نیز ترجمه اثری است که متعلق به دیگری باشد؛ به گونه‌ای که فرد مرتکب، آن را بدون اجازه و رضایت پدیدآورنده پخش و نشر نماید (مومنی، ۱۳۹۱: ص ۴۴).

۳-۷. نشر، پخش یا عرضه آثار سمعی و بصری

نشر، پخش و عرضه آثار سمعی و بصری و جرایمی که ممکن است در این حیطه به وقوع بپیوندد، بر اساس ماده یازدهم قانون حمایت از مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق، عناوین مجرمانه پیش‌بینی شده است. فقرات ۱، ۴ و ۷ مبین تولید، پخش و عرضه اثر از حقوق مادی پدیدآورنده بوده و شخص یا اشخاص دیگر در صورت تولید، پخش و عرضه اثر، نیازمند اخذ اجازه از شخص پدیدآورنده آن می‌باشند. خوش‌بختانه این حق مذکور دارای ضمانت اجرای جزایی بوده، به گونه‌ای که در فقره (۱) ماده (۳۱) قانون حمایت از حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق نیز چنین تبیین شده است:

شخصی که مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، حسب احوال به حبس الی یک سال محکوم می‌گردد:

۱) تولید یا توزیع هر نوع ابزار، وسایل یا ادوات به منظور بی‌اثر ساختن ابزار، وسایل و ادواتی که سبب جلوگیری یا محدود ساختن تولید مجدد اثر، ضبط صدا یا پخش و نشر می‌گردد، یا این که هدف آن تضعیف کیفیت اثر باشد.

۲) تولید یا توزیع هر نوع ابزار یا ادوات به منظور دریافت برنامه‌های مدون قابل پخش یا قابل انتقال از طریق دیگر به عامه مردم، به‌شمول انتقال برنامه‌ها از طریق ماهواره (ستلایت)، یا ابزار و ادوات مذکور که انتقال چنین برنامه‌ها را به شخصی فراهم سازد که مستحق دریافت آن‌ها نمی‌باشد.

۳) پخش، حذف یا تغییر هر نوع معلومات الکترونیکی مورد حمایت کاپی‌رایت، بدون اجازه پدیدآورنده آن.

۴) استفاده غیرقانونی از آثار دیگران به مقصد کسب منفعت.

۵) در همین مورد، فقره سوم این ماده نیز چنین مشعر گردیده است:

۶) «شخصی که در موعد مندرج فقره (۲) ماده بیست‌وسوم این قانون، بدون موافقه کتبی تصدیق‌شده نمایش دهنده اثر، به پخش مجدد اثر و یا پخشی از آن به هر وسیله یا روش اقدام

نماید، حسب احوال به حبس الی یک سال و یا جریمه نقدی که از پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) افغانی کمتر و از یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) افغانی بیشتر نباشد، به یکی یا هر دوی آن محکوم می‌گردد». بنابراین، هرگاه پدیدآورنده اصلی اثر یا شخصی که حق نشر، پخش و عرضه اثر سمعی و بصری به او واگذار شده است، بدون اخذ مجوز لازم از مالک اثر، اقدام به نشر، پخش و عرضه اثر رادیویی، سینمایی یا تلویزیونی نماید، یا سایر اعمال ماده فوق‌الذکر را مرتکب شود، به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. اما اگر چنین فردی اقدام به نشر و عرضه غیرقانونی آثار فاقد مجوز نماید، عمل وی مشمول تعدد معنوی شده و به اشد مجازات جرم ارتکاب یافته محکوم خواهد گردید (مومنی، ۱۳۹۱: ص ۴۴).

۸. مجازات‌های نقض حق مؤلف در حقوق جزای افغانستان

در قانون حمایت از حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق افغانستان که در سال ۱۳۹۵ هـ ش تصویب شد، تلاش در جهت تناسب‌سازی میان اهمیت عمل مجرمانه و شدت مجازات‌ها، با تعیین مجازات حداقلی و حداکثری و تفویض اختیار به قاضی برای تعیین میزان مجازات در همین چهارچوب مشاهده می‌شود (حامدی، ۱۴۰۱: ص ۲۲).

چنان‌که در فصل ششم این قانون، احکام تأدیبی آمده است:

ماده بیست‌ونهم: تحریک دعوی جزایی و مدنی علیه متخلفین احکام این قانون، به اساس درخواست کتبی متضرر صورت می‌گیرد.

ماده سی‌ام، بند (۱): محکمه در حالت حکم مندرج ماده بیست‌ونهم این قانون، حسب احوال یکی از تصامیم ذیل را اتخاذ می‌نماید:

۱. اصدار حکم مبنی بر جلوگیری از تخلفات؛
۲. اصدار حکم مبنی بر مصادره و تخریب نسخه‌ها یا اجزای مربوط به آن که در آن‌ها تخلف صورت گرفته است؛
۳. اصدار حکم مبنی بر مصادره و تخریب وسایلی که در تولید مجدد مورد استفاده قرار گرفته است؛
۴. اصدار حکم مبنی بر جبران خساره عادلانه؛

۵. اصدار حکم مبنی بر مصادره عواید ناشی از تخلف؛

۶. اصدار حکم مبنی بر مسدود ساختن مؤسسه نشراتی متخلف.

۹. اسناد بین‌المللی حمایت از حق مؤلف

در عرصه بین‌الملل، قوانین و کنوانسیون‌های متعددی برای حمایت از حق مؤلف ایجاد شده است؛ مانند کنوانسیون برن، معاهده ژنو، معاهده تریپس، معاهده وایپو و غیره. در این مبحث، هر یک از این کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی مرتبط با حمایت از حقوق مؤلف، به‌طور مفصل بررسی و تبیین می‌گردد.

۹-۱. کنوانسیون برن

آنچه پیش‌تر بیان شد، تنها محدود به کشور ما نیست؛ در حقیقت، قوانین حمایتی از پدیدآورندگان در سطح بین‌الملل نیز وجود دارد که در میان بسیاری از کشورهای جهان پذیرفته شده است. کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ تدوین و در ۴ مه ۱۸۹۶ در پاریس تکمیل شد. این کنوانسیون در ۱۳ نوامبر ۱۹۰۸ در برلین مورد تجدیدنظر قرار گرفت و در ۲۰ مارس ۱۹۱۴ در برن تکمیل گردید. سپس در ۲ ژوئن ۱۹۲۸ در رم، ۲۶ ژوئن ۱۹۴۸ در بروکسل، ۱۴ جولای ۱۹۶۷ در استکهلم و ۲۴ جولای ۱۹۷۱ در پاریس بار دیگر مورد تجدیدنظر قرار گرفت و سرانجام در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ تصحیح شد (مومنی، ۱۳۹۱: ص ۵۷).

تمامی کشورهای عضو اتحادیه مایل‌اند آثار ادبی و هنری حتی‌الامکان به‌صورت یکنواخت و مؤثر مورد حمایت قرار گیرند. برای دستیابی به این هدف، اقداماتی صورت گرفته است که از جمله می‌توان به پذیرش نتایج مهم کنفرانس تجدیدنظر برگزارشده در سال ۱۹۶۷ در استکهلم، توافق بر تجدیدنظر در مفهوم «آثار» و نیز پذیرش بدون تغییر باقی‌ماندن بندهای ۱ تا ۲۰ و ۲۲ تا ۲۶ اشاره کرد. در نتیجه، نمایندگان تام‌الاختیار امضاکننده بیانیه، تمامی توان خود را برای تنظیم و صدور آن به کار گرفتند (مومنی، ۱۳۹۱: ص ۵۷).

در بند (۱) این کنوانسیون تصریح شده است که تمامی کشورهای عضو مکلف‌اند اتحادیه‌ای را به‌منظور حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری تشکیل دهند تا از این رهگذر، حقوق کاپی‌رایت

پدیدآورندگان محفوظ و مصون بماند. همچنین در بند (۲) کنوانسیون برن، آثار مورد حمایت از جمله آثار ادبی و هنری، آثار فرعی، متون رسمی، مجموعه آثار، تعهد به حمایت از افراد ذی‌نفع و سایر موارد تبیین گردیده است (مومنی، ۱۳۹۱: ص ۵۷).

ویژگی‌های کلیدی این معاهده عبارت‌اند از:

۱) حمایت بین‌المللی از حقوق مؤلفان؛

۲) حق ترجمه و اقتباس؛

۳) همسان‌سازی قوانین؛

۴) عضویت و پیوستگی؛

۵) تأکید بر رعایت قوانین داخلی؛

۶) مدیریت حقوق مالی و غیرمالی (وداقانی، ۱۳۸۷: ص ۳۴۳).

این ویژگی‌ها به ایجاد چهارچوب قانونی بین‌المللی برای حفاظت از حقوق مؤلفان و حمایت از آثار فرهنگی و هنری در سطح جهانی کمک می‌کند (وداقانی، ۱۳۸۷: ص ۳۴۳).

۲-۹. معاهده ژنو (کنوانسیون جهانی حق مؤلف)

معاهده ژنو در مورد حق مؤلف در سال ۱۹۲۵ تأسیس شد و تنها در ژوئیه ۱۹۷۱ مورد اصلاح قرار گرفت. این معاهده به ابتکار یونسکو و با پیگیری شماری از کشورها، از جمله ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق - که ناگزیر به پیوستن به معاهده برن بودند - منعقد گردید. گذشته از تفاوت‌های شکلی، ساختار این معاهده مشابه معاهده برن است. از مهم‌ترین تفاوت‌های این معاهده با معاهده برن، یکی تعیین سطح ضعیف‌تر حمایت نسبت به آنچه در معاهده برن مقرر شده است و دیگری، تفاوت در زمینه تشریفات می‌باشد.

در این معاهده، اصل اعطای حق مؤلف به شرط رعایت برخی تشریفات مطرح است. این معاهده به «معاهده جهانی حق مؤلف» معروف است. از آن جهت که انتظار می‌رفت تمامی کشورهای جهان بدان ملحق شوند، در این معاهده، اصل برابری حق مؤلف خارجی با مؤلف داخلی، تشریفات و تدابیری به نفع کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده است. با این حال، نسبت به حق معنوی مؤلف، این معاهده

مسکوت می‌باشد. این معاهده توفیقی را که در هنگام وضع آن انتظار می‌رفت، به دست نیاورده است (وادقانی، ۱۳۸۷: ص ۳۴۰).

معاهده جهانی حق مؤلف (Geneva Convention Copyright) یا به اختصار «معاهده ژنو»، به توافقاتی اشاره دارد که در سطح بین‌المللی برای حمایت از حقوق مؤلفان و آثارشان تنظیم شده‌اند.

۳-۹. معاهده ترپس

موافقت‌نامه ترپس در سال ۱۹۹۴ میلادی توسط ۱۱۱ کشور در مراکش امضا و در سال ۱۹۹۶ میلادی به اجرا درآمد. این معاهده بر جنبه‌های تجارتی و اقتصادی حقوق مالکیت‌های معنوی متمرکز بوده و بر برابری ارزش این حقوق با حقوق و کالاهای دیگر اذعان دارد. به موجب این معاهده، سایر حقوق مالکیت‌های معنوی، از جمله حقوق معنوی، در درجه دوم مطرح می‌گردند (آموزگار، ۱۳۸۲: ص ۱۵۲).

معاهده ترپس برای تمام اعضای سازمان تجارت جهانی این مکلفیت را ایجاد کرده است که مقررات اساسی کنوانسیون برن را رعایت نمایند، هرچند که به این کنوانسیون ملحق نشده باشند؛ البته به استثنای ماده ۶ مکرر کنوانسیون در مورد حقوق معنوی. زیرا در ماده ۹ این معاهده، کشورهای عضو در خصوص حمایت از حقوق معنوی آثار ادبی و هنری مکلفیتی ندارند. افزون بر این، این موافقت‌نامه به کشورهای عضو در موارد خاص اجازه داده است تا محدودیت‌هایی را در صورت لزوم بر حقوق انحصاری برقرار نمایند، مشروط بر آن‌که به منافع مشروع خالق اثر صدمه وارد نگردد (معاهده ترپس، ۱۹۹۴: مواد ۹ و ۱۳).

۴-۹. معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری درباره حق مؤلف (WIPO)

این معاهده در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۶ میلادی در ژنو - سوئیس تصویب شد، اما سال ۲۰۰۲ میلادی زمان لازم‌الاجرا شدن آن می‌باشد. این معاهده در حقیقت مکمل معاهده برن بوده و اصول آن را تقویت می‌نماید. با توجه به فناورانه شدن جهان و گسترش تکنالوژی در زندگی انسان‌ها، وجود این معاهده امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا حقوق متعلق به پدیدآورندگان را در محیط دیجیتال و شبکه‌ها مورد حمایت و صیانت قرار می‌دهد.

چنان که در ماده ۶ این معاهده، به صراحت از حق توزیع، فروش یا انتقال مالکیت حقوق انحصاری پدیدآورنده سخن به میان آمده است. به همین ترتیب، مواد ۷ و ۸ این معاهده، حق اجاره و حق ارتباط عمومی (در دسترس گذاری عمومی) حقوق انحصاری صاحب اثر، از جمله مؤلف، را پوشش می‌دهد؛ به گونه‌ای که خالق اثر بتواند حسب ضرورت، اثر خویش را به اجاره دهد یا آن را در دسترس عموم قرار دهد.

۱۰. نتیجه‌گیری

اقتباس ایده‌ها، فرآیندها، نتایج یا واژگان محققان دیگر بدون منبع‌دهی، مفهومی از سرقت ادبی به‌شمار می‌رود. علاوه بر آن، سرقت ادبی لفظ به لفظ، سرقت ادبی ایده‌ها، سرقت ادبی از خود، انتشار ترجمه اثر دیگری به عنوان اثر اصیل خود، و استفاده از جداول، نمونه‌ها یا واژه‌های اثر دیگری، از جمله انواع سرقت ادبی محسوب می‌شوند. یکی از مصادیق این نوع سرقت، نقض حق مؤلف است. حق تألیف عبارت از اختصاص شرعی‌ای است که برای صاحب اثر یا نویسنده نسبت به اثر وی ثابت می‌شود؛ چنان که می‌تواند آن را به خود نسبت داده و مطابق قانون در آن تصرف نماید. وجود این حق برای مؤلفان، مانع استفاده‌های غیرمجاز از آثار آنان می‌شود. قابل یادآوری است که حق انتشار، حق تکثیر، حق ترجمه، حق اجرا و حق نشر عمومی از جمله حقوق متعلق به مؤلفان می‌باشد.

نقض حق مؤلف در حقوق جزای افغانستان، علی‌رغم عضویت این کشور در سال ۲۰۱۸ میلادی در کنوانسیون برن و در سال ۲۰۰۵ میلادی در کنوانسیون واپو، همچنان به یک مشکل اساسی و پایدار تبدیل شده است؛ زیرا در افغانستان اگرچه قوانین خاصی در حوزه حقوق مؤلف وجود دارد، اما این قوانین به اندازه کافی جامع و کارآمد نبوده و به‌طور مؤثر به چالش‌های مدرن در زمینه مالکیت‌های معنوی پاسخ نمی‌دهند. ثانیاً، عدم آگاهی و آموزش عمومی در خصوص حق مؤلف و آثار خلاقانه نیز سهم بسزایی در نقض این حقوق دارد. بسیاری از افراد و حتی نهادهای تجاری و فرهنگی از حقوق قانونی مؤلفان بی‌اطلاع‌اند و این امر منجر به نقض‌های مکرر و عدم رعایت حقوق قانونی می‌شود. ثالثاً، منابع محدود و ضعف در نظارت و اجرای قوانین، به‌ویژه در نهادهای مسئول، مانع از برخورد مؤثر با ناقضان حقوق مؤلف و اجرای عدالت می‌گردد. نهادهای نظارتی با چالش‌های مالی و کمبود منابع

انسانی مواجهه‌اند که این امر بر توانایی آن‌ها در انجام وظایف‌شان تأثیرگذار است. با وجود این چالش‌ها، هرگاه شخصی حق مؤلف را نقض نموده و از آثار وی به صورت غیرمجاز استفاده نماید، مطابق قانون حمایت حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق (کاپی‌رایت) افغانستان، دارای مسئولیت جزایی بوده و به جزایای پیش‌بینی شده، محاکمه و مجازات می‌شود. مجازات‌هایی مانند حبس الی یک سال و جزای نقدی از پنجاه تا صد هزار افغانی، بسته به نوعیت جرم ارتكابی، برای ناقض یا ناقضان این حق اعمال می‌گردد. در حالی که در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون ژنو، کنوانسیون برن، معاهده ترپس و معاهده وایو، تنها بر رعایت و حمایت از کپی‌رایت تأکید شده و ضمانت اجرای جزایی در آن‌ها پیش‌بینی نگردیده است.

نهایتاً، در این تحقیق، فرضیه‌ای که مبتنی بر جرم‌انگاری نقض حق مؤلف در حقوق جزای افغانستان و عدم توجه همه‌جانبه به این موضوع در اسناد بین‌المللی مطرح شده بود، به اثبات رسید؛ به گونه‌ای که در حقوق جزای افغانستان برای ناقضان حق مؤلف مجازات‌های متفاوتی پیش‌بینی شده است، در حالی که رویکرد اسناد بین‌المللی در قبال این حق، بیشتر جنبه حمایتی از آثار مؤلف دارد. به طور مشخص، در اسناد بین‌المللی به تعیین مجازات برای مرتکبان نقض حق مؤلف پرداخته نشده و معمولاً امر تعیین مجازات ناقضان حق مؤلف به اسناد و قوانین داخلی کشورها واگذار شده است تا متناسب با شدت و خفت جرم ارتكابی، مجازات تعیین گردد.

۱۱. پیشنهادات

سرقت ادبی و نقض حق مؤلف، از موضوعات مهمی هستند که در افغانستان و بسیاری از کشورهای دیگر نیز مشاهده می‌شوند. برای مقابله با این مشکلات و پیش‌گیری از آن‌ها، می‌توان به راهکارهای مختلفی اشاره کرد:

(۱) **آموزش حقوقی:** برگزاری دوره‌های آموزشی برای نویسندگان، محققان و محصلان

در زمینه حق مؤلف و سرقت ادبی.

(۲) **آگاهی عمومی:** افزایش آگاهی عمومی از اهمیت حقوق مؤلف و پیامدهای نقض آن

از طریق رسانه‌ها، وبسایت‌ها و دوره‌های آموزشی.

- ۳) **تصویب و اجرای قوانین:** تصویب و اجرای قوانین روشن و جامع در زمینه حق مؤلف و نقض آن؛ به گونه‌ای که این قوانین به‌روز بوده و با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ باشند.
- ۴) **مجازات‌های مؤثر:** تعیین مجازات‌های مناسب برای ناقضان حق مؤلف در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، به نحوی که جنبه بازدارندگی داشته باشد.
- ۵) **پیش‌بینی ضمانت اجرای جزایی در اسناد بین‌المللی:** به منظور حمایت بهتر و مؤثرتر، لازم است در اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق مؤلف، برای ناقضان این حق مجازات پیش‌بینی گردد.
- ۶) **حفاظت از حقوق مالکیت‌های معنوی، به‌ویژه حق مؤلف در محیط سایبری:** با توجه به فناوری‌شدن جهان، نقض این حقوق در فضای سایبری محتمل است؛ از این‌رو، حمایت از حقوق مؤلف در محیط سایبری نیز یک ضرورت مبرم و اساسی به‌شمار می‌رود.

سرچشمه‌ها

الف) کتب:

- ۱) جوادی، محسن. (۱۳۹۰). اخلاق پژوهش: مبانی و مسائل. چاپ دوم، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲) دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳) مسلمان یزدی، حسنعلی. (۱۳۹۲). سرقت ادبی. چاپ اول، جلد ۱، تهران، نشر فدک ایستیس.
- ۴) معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین. جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۵) نذیر، دادمحمد. (۱۳۹۷). حقوق جزای اختصاصی اسلام. جلد ۱، چاپ ۵، کابل، انتشارات رسالت.
- ۶) وادقانی، علی رضا محمدزاده. (۱۳۹۳). گفتاری در حقوق بین‌الملل مؤلف و حقوق مجاور. تهران - ایران: انتشارات میزان.

ب) مقالات:

- ۷) آموزگار، مریم. (۱۳۸۲). کپی‌رایت و حقوق مرتبط در موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی. مجله پژوهش‌های حقوقی، موسسه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳.
- ۸) اسماعلی، محسن. (۱۳۸۴). آثار مورد حمایت در حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری ایران. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۲۸.
- ۹) حامدی، محمد شریف. (۱۴۰۱). بررسی جرایم و مجازات‌های نقض مالکیت فکری در حقوق افغانستان. شماره ۵، فصلنامه علمی نسیم کوثر.
- ۱۰) شاکری، ابولحسن و تربندی، احسان الله. (۱۴۰۲). سرقت ادبی در حقوق کیفری ایران. فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی: معاونت دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۱) صادقی، محمود و پورمحمدی، شیما. (۱۳۸۶). حقوق مرتبط با حق مؤلف. مجله علمی فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۳.
- ۱۲) فخراحمد، سید مصطفی و دیگران. (۱۳۹۶). سرقت علمی: از پیشگیری تا تشخیص. مجله علمی کارگاه.
- ۱۳) مومنی، نگار و عزیزی، سیروس. (۱۳۹۱). سرقت ادبی (علمی) و نقش ابزارهای زبانی در شناسایی و تحلیل آن. دوره ششم، شماره بیست، کارگاه (مجله حقوقی - تحقیقاتی).

ج) مقالات انگلیسی:

- ۱۴) Fishman, teddi. (2009). "We know it when we see it" is not good enough: toward a standard definition of plagiarism that transcends theft, fraud, and copyright. Clemson university, USA.

- ۱۵) Rodolph william and liewelyn, david. (2023). *Intellectual property: patents, copyright, trade mark and allied rights*. 10th edition, landan.

(د) قوانین:

- ۱۶) قانون حمایت حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق. کابل: وزارت عدلیه، جریده رسمی، ۲۴ میزان ۱۳۹۵، شماره مسلسل ۱۲۳۰.

(هـ) اسناد بین‌الملل:

- ۱۷) *Agreement on trade- related aspects of intellectual property rights*, 1994.
- ۱۸) *Berne Convention for the Protection of literary and Artists works*. 1886, NO: 11850
- ۱۹) *Universal Copyright Convention*. 1952, NO: 2937.
- ۲۰) *World intellectual property organization*, 1967